

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی  
دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)  
سال سیزدهم، شماره ۱ (بهار ۱۴۰۳) صص ۳۹-۶۶

## عوامل غافلگیری اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در عملیات ۷ اکتبر حماس

● سیدحامد حسینی<sup>۱</sup> ●

دکتری رشته روابط بین‌الملل، گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

### چکیده

در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، زمانی که نیروهای سازمان حماس از نوار غزه به مناطقی از جنوب رژیم صهیونیستی حمله نموده و خسارات جانی و مالی قابل توجهی وارد کردند، رژیم صهیونی به لحاظ اطلاعاتی غافلگیر شد. این رژیم هیچ اختصار مشخص و فوری درباره این حمله نداشت. این یک غافلگیری برجسته برای جامعه اطلاعاتی و سیستم امنیتی بود. فقدان هشدار اطلاعاتی سؤال اساسی را در مورد توانایی جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی ایجاد کرد بدین صورت که علل و عوامل غافلگیری اطلاعاتی در عملیات ۷ اکتبر مشتمل بر چه مواردی بودند. فرضیه پژوهش با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی بیان می‌کند که دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از تقویت حماس اطلاع داشت، اما این سوگیری شناختی وجود داشت که حماس اهداف خود را تغییر داده و قصد دارد به مثابه یک بازیگر عادی رفتار کند و در نتیجه حماس از اقدامات تهاجمی که به نوبه خود موجب تحریک رژیم صهیونیستی می‌شود، خودداری می‌کند. عوامل متعددی در سوگیری شناختی نقش داشتند که صهیونیست‌ها در نهایت نتوانستند وضعیت حماس را درک کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تهدید حماس در قیاس با توانایی رژیم صهیونیستی کم اهمیت جلوه داده می‌شد و در چنین شرایطی بود که خطای شناختی بر محاسبات و ارزیابی‌های منطقی چیره گشت.

**کلید واژگان:** رژیم صهیونیستی، حماس، جامعه اطلاعاتی، غافلگیری، سوگیری شناختی

مسئله ناتوانی اطلاعاتی در ارائه هشدارهای اولیه به منظور دفع حملات غافلگیرانه از اوایل دهه ۱۹۶۰ در مورد حادثه پرل هاربر<sup>۱</sup> مورد مطالعه قرار گرفت. از آن زمان، سازمان‌های اطلاعاتی با چگونگی بهبود قابلیت‌های خود برای جلوگیری از غافلگیری اطلاعاتی سروکار داشتند (Gentry and Gordon, ۲۰۱۹: ۵۳). طی دهه‌های بعدی، تأکید اصلی بر افزایش جمع‌آوری اطلاعات، به‌ویژه به‌صورت مخفیانه بوده است. ابزار ارتقای اطلاعاتی از طریق پژوهشات و ارتباط با زمینه‌های جانبی مانند پیوند با سازمان‌های اطلاعاتی ملی بوده است.

ادبیات مطالعات اطلاعاتی نشان می‌دهد که برای اکثر حملات غافلگیرکننده‌ای که از سال ۱۹۳۹ رخ داده است، جوامع اطلاعاتی<sup>۲</sup> (ICs) قبل از حملات ادعا کرده بودند که احتمال وقوع خطر ناچیز است. پس از وقوع این حملات، تصمیم‌گیرندگان انگشت اتهام را متوجه متخصصان اطلاعاتی کردند و آنها را به دلیل پیش‌بینی نکردن حمله و عدم ارائه هشدار قبلی سرزنش کردند (Bar-Joseph and McDermott, ۲۰۱۷: ۱۷-۱۹). برخی پژوهشگران این حوزه مطالعاتی مدعی شده‌اند که در چند دهه گذشته، انتظارات مبنی بر اینکه افزایش منابع و وسایل تخصیص یافته به اطلاعات منجر به بهبود کیفیت اطلاعات استراتژیک می‌شود، محقق نشده است و پیشرفت قابل توجهی در توانایی جوامع اطلاعاتی در زمینه برتری اطلاعاتی استراتژیک مشهود نیست و چه بسا دلایلی برای شکست آنها وجود دارد.

در نتیجه حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و عدم ارزیابی در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ در مورد سلاح‌های کشتار جمعی<sup>۳</sup> عراق (WMD)، پژوهشات رسمی برای تعیین دلایل وقوع آنها انجام شد، در حالی که هر دو نمونه‌هایی از شکست اطلاعاتی بودند. می‌توان ناکامی جامعه اطلاعاتی در پیوند نهادی و فقدان همکاری بین سازمانی را که منجر به ایجاد مدیریت اطلاعات ملی و متمرکز شدن جامعه اطلاعاتی شد، مقصر دانست (Commission Report ۱۱/۹, ۲۰۰۴). نتیجه‌گیری در مورد ارزیابی‌های اطلاعاتی پیش از جنگ ایالات متحده در عراق این بود که بیش‌تر برداشت‌های کلیدی جامعه اطلاعاتی در مورد سلاح‌های کشتار جمعی، یا اغراق‌آمیز شده بودند یا توسط گزارش‌های اطلاعاتی زیربنایی پشتیبانی نمی‌شدند.

1. Pearl Harbor
2. Intelligence Communities
3. weapons of mass destruction

توصیه‌ها به جامعه اطلاعاتی این است که در چارچوب عملکرد استاندارد اطلاعاتی در سطح ملی ادامه دهند و سعی کنند کارایی خود را بهبود بخشند. هیچ راه حل آسانی برای برتری اطلاعاتی وجود ندارد و روندها اغلب بر شکست‌های اطلاعاتی متمرکز هستند تا موفقیت‌های بالای آن. محققان بیان می‌کنند که بسیاری از جوامع اطلاعاتی دانش کمی از فرآیند اطلاعاتی دارند و بنابراین فاقد چشم‌انداز برای حل مشکلات عمیق در امور اطلاعاتی هستند (Betts, 2007: 3). در سال‌های قبل از حملات ۱۱ سپتامبر، جامعه اطلاعاتی ایالات متحده به دنبال کمبودهایی در ارزیابی‌های خود به نتایج مشابهی رسید که باید تغییراتی ایجاد کند. این نتیجه‌گیری پس از حوادثی مانند عدم هشدار اولیه درباره سقوط قریب الوقوع دیوار برلین و نیز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انجام شد.

برنامه‌ریزی برای عملیات ۷ اکتبر حماس حداقل از دو سال پیش آغاز شده بود که شامل جنگ روانی و شبکه‌ای از فریب درازمدت بود. این اقدامات با درجه بالایی از سازمان‌دهی نظامی و حرفه‌ای، شبیه تاکتیک‌های نیروهای ویژه ارتش به‌جای تاکتیک‌های یک سازمان چریکی غیر دولتی اجرا شد. این امر بر توانایی‌های نظامی و اطلاعاتی قابل توجهی که حماس در طول سال‌ها به‌طور دقیق توسعه داده بود، تأکید می‌کند. مسئله اساسی پیرامون عملیات ۷ اکتبر این است که چه چیزی نزد جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی اشتباه بوده است و آیا این سازمان‌های اطلاعاتی بودند که شکست خوردند یا اینکه افسران اطلاعاتی برنامه‌های حماس را به‌خاطر سایر دستور کارهای امنیتی نادیده گرفتند. همچنین آیا آژانس‌های اطلاعاتی با توجه به تغییرات محیط داخلی و پیرامونی رژیم صهیونیستی به این درک رسیدند که توانایی‌های حماس در حال تغییر است یا خیر و در نهایت آیا مقامات اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در برداشت‌ها و اقدامات خود بیش از حد به فناوری متکی شده‌اند یا خیر. موفقیت این عملیات بر اساس ارزیابی‌های اولیه، ریشه در ناکامی امنیتی از سوی جامعه اطلاعاتی و ارتش رژیم صهیونیستی دارد که مشتمل بر موارد زیر است:

- ۱- ناکامی افسران اطلاعاتی در نظارت بر کانال‌های ارتباطی کلیدی مورد استفاده مهاجمان؛
- ۲- اتکای بیش از حد به تجهیزات مراقبت مرزی که به راحتی توسط مهاجمان خنثی شد و به آنها اجازه می‌داد به پایگاه‌های نظامی حمله کنند و تلفات انسانی را وارد کنند؛
- ۳- تجمع برخی فرماندهان در یک پایگاه مرزی که در مرحله اولیه تهاجم مورد حمله قرار گرفتند و باعث شد تا از ارتباط با بقیه نیروهای مسلح جلوگیری گردد؛
- ۴- تمایل به پذیرش اظهارات غیر واقع و صحنه‌سازی شده رهبران نظامی غزه که در کانال‌های

ارتباطات بیان شده بود و فلسطینی‌ها می‌دانستند که توسط رژیم صهیونیستی زیر نظر گرفته می‌شوند؛ از این رو نیروهای رژیم صهیونیستی تصور می‌کردند که آنها برای نبرد آماده نمی‌شوند. رژیم صهیونیستی‌ها تقریباً در یک دهه اخیر به یک نوع تصویرسازی روی آورده بودند ناظر بر این امر که برخی از جاه‌طلبی‌های حماس جای خود را به حکومت کردن متعارف داده است. باور اصلی این بود که اگر وضعیت اقتصادی غزه بهبود یابد، دستاوردهایی ایجاد می‌کند که می‌تواند حماس را از تشدید اوضاع باز دارد. اغراق‌آمیز نیست که بیان شود حماس بهتر از رژیم صهیونیستی‌ها این سازمان را درک می‌کرد. حماس اشراف داشت که رژیم صهیونیستی‌ها چه اعتقادی دارند و چه چیزی را می‌خواهند باور کنند. این سازمان به وضعیتی دست یافته بود تا با موفقیت از یک کارزار انکار و فریب کلاسیک استفاده کند؛ ایجاد و تقویت این روایت که حماس نمی‌خواهد حمله کند و این توهم را ایجاد کرد که در حال گذار از جهاد مسلحانه به ثبات است. حماس در سال منتهی به ۱۷ اکتبر هیچ حمله مهمی انجام نداد و از پیوستن به تشکیلات جهاد اسلامی فلسطین در حملات موشکی به رژیم صهیونیستی خودداری کرد. تأثیر این باور محسوس بود. رژیم صهیونیستی با درک کاهش تهدید، نظارت خود بر مرز غزه را به میزان قابل توجهی کاهش داد و به شدت بر حسگرهای الکترونیکی تکیه کرد. حماس به قدری به تاکتیک فریب خود اطمینان داشت که برای عملیات ۷ اکتبر بیش‌تر در محیط باز آموزش می‌دیدند.

### پیشینه پژوهش

#### ۱- خصوصی سازی امنیت رژیم صهیونیستی، ر. هور<sup>۱</sup>، انتشارات پلوتو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷

هور در این کتاب مسئله خود را ارائه می‌کند مبنی بر اینکه دولت رژیم صهیونیستی به تدریج اجزای مهم امنیت دولتی را خصوصی کرده است. در طول دو دهه از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۴، خصوصی سازی هم از طریق فروش و هم از طریق برون‌سپاری رخ داد؛ با برون‌سپاری مسئولیت‌های امنیتی مختلف بیش‌ترین بخش از فعالیت‌ها را به خود اختصاص دادند. هور همانند اولین کتاب خود یعنی اقتصاد سیاسی اشغالگری رژیم صهیونیستی، از ماکس وبر<sup>۳</sup> و پیر بوردیو<sup>۴</sup> در بیشتر تحلیل‌های نظری خود

1. Shir Hever
2. Pluto
3. Max Weber
4. Pierre Bourdieu

برای پرداختن به انتقال نخبگان نظامی، از خدمت فعال به بخش خصوصی و همچنین نقش رهبری آنها در بسیاری از محرک‌های خصوصی سازی استفاده می‌کند. این کتاب در ذیل ادبیاتی قرار می‌گیرد که به رژیم صهیونیستی از دریچه اقتصاد سیاسی می‌پردازد و سهم منحصر به فرد هور ناشی از تمرکز او بر تشکیلات امنیتی رژیم صهیونیستی است.

لوصحم یتسینویهص میژر یتینما شخب یزاس یصوصخ هک دنکیم نایب شهوژپ یاهتفای هدرتسگ یزاس یصوصخ زا رتارف یزیچ شاهمانرب رد هک تسا یلاریلوئن راک روتسد کی ییناج هک تسا یصوصخ یاهشخب و تلود نیب طباور راتخاس دیدجت یارب یشالت و تسا یتلود یاهیاراد، دنتسه یتینما شخب رد هک بیاهنا هژیو هب، هدحتم تالایا و یتسینویهص میژر نیب کیدزن طباور طسوتم نارسفا لاقتنا یگنوگج حیضوت اب ار لالدتسا نیا هدنسیون. دنتسه راک روتسد نیا یاه کرجم راکنامیب ناوئع هب تشگزاب سپس و یصوصخ شخب هب یتلود تامدخ زا قباس هیاپدئلب و یمومع شخب رد رت شیب ییاراک یاقترا یارب آرهاظ، یصوصخ شخب یاه نکرش اب رواشم و دنکیم ینابیتشپ.

## ۲- دکترین نظامی رژیم صهیونیستی، ایهود ایلام<sup>۱</sup>، انتشارات لکسینگتون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸

کتاب به دنبال این است که شکاف بین ادبیات نسبتاً محدود در مورد استراتژی امنیت ملی رژیم صهیونیستی و مطالعات گسترده‌ای که در مورد موضوعات تاکتیکی پدیدار شده است را پوشاند. تحلیل او از روابط رژیم صهیونیستی با همسایگانش و همچنین مواضع آن در قبال ایران، حزب الله و فلسطینی‌ها (تشکیلات خودگردان و حماس) با بحث‌هایی در مورد موضوعات بسیار تاکتیکی در کنار هم قرار می‌گیرد. او اصول سیاست امنیت ملی رژیم صهیونیستی را تشریح می‌کند و در عین حال خاطر نشان می‌کند که جنگ ۱۹۸۲ لبنان را باید به عنوان پایانی بر دوران جنگ‌های شدید رژیم صهیونیستی در نظر گرفت. از آن زمان، رژیم صهیونیستی منحصراً در حال جنگ‌های ترکیبی و کم شدت بوده است. ایلام، حزب الله و حماس را در کنار ایران به عنوان بزرگ‌ترین دشمنان رژیم صهیونیستی تعریف می‌کند و بر نیاز به تعدیل سیاست برای مقابله با نیروهای ترکیبی که به عنوان اصلی‌ترین نگرانی امنیت ملی رژیم صهیونیستی در نظر می‌گیرد، تأکید می‌کند.

ایلام بی‌ربط بودن رویکرد سنتی رژیم صهیونیستی برای ایجاد نتایج قاطع را در جنگ‌های کوتاه امروزی علیه بازیگران غیردولتی یا ترکیبی نشان می‌دهد. بحث او در مورد قدرت آتش در عصر این نوع جدید از دشمنان کاملاً موجه است. مشاهده وی مبنی بر اینکه حملات هوایی هم در لبنان و هم

1. Ehud Eilam
2. Lexington

در نوار غزه ناکافی بوده یادآور این نکته است که قدرت آتش جادو نیست و اجتناب از تلفات با اتکا صرف به آن لزوماً نتایج مطلوب را به همراه ندارد. وی اذعان می‌کند که نیروی هوایی ارتش به تنهایی قادر به دستیابی به نتایج مطلوب در برابر نیروهای هیبریدی نیست، همان‌طور که در جنگ ۲۰۰۶ و عملیات ۲۰۱۴ نشان داده شد. وی همچنین بیان می‌کند که تاکنون، تأثیر لشکرهای زرهی رژیم صهیونیستی در این دوره جدید از دشمنان ترکیبی، تعیین‌کننده نبوده است و خاطر نشان می‌کند که ارتش رژیم صهیونیستی از گزینه غافلگیری که توسط نیروی دریایی ارائه می‌شود صرف نظر کرده است. استدلال او مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی تسلط حزب الله و حماس را به دلیل نبود انتخاب بهتر تحمل می‌کند، ممکن است تا حدی مورد مناقشه قرار گیرد، زیرا رژیم صهیونیستی در مورد تسلط حزب الله در لبنان کار بسیار کمی می‌تواند انجام دهد. برخلاف نوار غزه که ارتش رژیم صهیونیستی می‌تواند آن را از حماس هرچند به قیمتی گزاف باز پس گیرد، اما ریشه کن کردن حزب الله از لبنان غیر واقعی است. در مورد نگرانی او مبنی بر اینکه سلاح‌های شیمیایی می‌تواند به تشکیلات غیر دولتی مسلح خدمت کند نیز منطقی نیست. جدای از پیامدهای منفی استفاده از آنها، هم حماس و هم حزب الله درک خود را نشان داده‌اند که تأمین حمایت‌ها متکی به عدم توسل آنها به سلاح‌های ممنوعه است. در نهایت وی نتیجه می‌گیرد که ارتش رژیم صهیونیستی نباید دشمنان ترکیبی خود را دست کم بگیرد.

### ۳- تحلیل جهش پارادایمی جنبش حماس در عملیات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ (تغییر رویکرد پدافندی به آفندی)، احمد رضا بردبار و عبدالرضا عالیشاهی، بحران پژوهشی جهان اسلام، ۱۴۰۲

این مقاله با تکیه بر مصاحبه‌های اکتشافی به سه سطح گذار اقدامات پدافندی به آفندی، واکنش به توافق‌نامه ابراهیم و تغییر پارادایم مقاومت پرداخته است. فرض مقاله بیان می‌کند که تا پیش از این، مجموع رویکردها و راهبردهای جنبش حماس، مبارزه و مقابله با حملات رژیم صهیونیستی در بعد تدافعی بوده است؛ ولی در عملیات ۱۷ اکتبر، برای نخستین بار، جنبش حماس با تغییر رویکرد از اقدامات پدافندی به آفندی، به مواضع رژیم صهیونیستی‌ها هجوم گسترده‌ای برده و تا حدود زیادی معادلات سیاسی- امنیتی را تحت تأثیر این اقدام خود قرار داده است. هدف اصلی نویسندگان ارائه عوامل تعیین‌کننده جنبش حماس از هجوم به مواضع رژیم صهیونیستی‌ها در عملیات ۱۷ اکتبر می‌باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش، نویسندگان نتیجه می‌گیرند که اشتراک تحولات و قیام‌های منطقه‌ای و تأثیر جدی آن بر معادلات، متغیرها و محورهای قدرت‌های منطقه‌ای یکی از شروط لازم

ماندگاری نتایج مثبت استراتژی تهاجمی فعلی است. مجموعه اقدامات و فعل و انفعالات منطقه‌ای طوری ترسیم شده است که میان دو محور مقاومت و محور محافظه‌کاران، بازی جمع جبری صفر حاکم است و هرگونه آسیب و هزینه به هر یک از دو محور مذکور به نفع محور سوم یعنی رژیم صهیونیستی است؛ بنابراین اتحاد محور کشورهای اسلامی در جهت حمایت از حماس یکی از شروط لازم ماندگاری پیروزی است.

#### ۴- علل و آثار عملیات استشهادی در سرزمین‌های اشغالی: مطالعه موردی عملیات استشهادی مارس و آوریل ۲۰۲۲، محمد مرادی منفرد و عیسی حقی، آفاق امنیت، ۱۴۰۲

این مقاله با این مسئله بیان شده است که اقدامات غیرقانونی و شونت‌آمیز رژیم صهیونیستی موجب ناامیدی و سرخوردگی فلسطینیان در رسیدن به احقاق حقوقشان گردیده است و روی به گزینه‌ای بدیل یعنی عملیات استشهادی آورده‌اند تا از این رهگذر بتوانند به تحصیل حقوق خود اقدام نمایند. پژوهش با تکیه بر چارچوب نظری نبرد نامتقارن و یا ناهم‌تراز و همچنین مطالعه عملیات استشهادی مارس و آوریل ۲۰۲۲ به نتایج حاصل از این روند می‌پردازد. به ادعای نویسندگان مقاله، عملیات استشهادی اخیر حاوی ویژگی‌ها و خصوصیات ویژه‌ای نسبت به عملیات استشهادی سالیان گذشته است و به اعتقاد برخی از کارشناسان و تحلیل‌گران، راهبرد مقاومت مردمی فلسطین در این حوزه تفاوت‌های چشم‌گیری داشته است. یافته‌های پژوهش بیان می‌کند که عملیات استشهادی ضمن تفاوت ماهوی با عملیات انتحاری، به مثابه گزینه راهبردی و روشی نامتقارن، برای رژیم صهیونیستی اثرات ضد امنیتی گسترده‌ای مانند ایجاد ترس، وحشت و حس ناامنی پایدار، فرار و افزایش مهاجرت معکوس، کاهش سرمایه‌گذاری، فلج شدن صنعت گردشگری، کاهش اعتبار دولت در داخل، افول ادعای شکست‌ناپذیری دستگاه‌های اطلاعاتی و محتاط کردن رژیم صهیونیستی نسبت به اقدامات خود داشته است.

در مجموع می‌توان برآیند پیشینه پژوهش را ناظر بر در نظر گرفتن موارد زیر تلقی نمود:

- ۱- چشم‌انداز صلح با فلسطینی‌ها، حداقل برای آینده قابل پیش‌بینی، بدون توجه به سیاست‌های رژیم صهیونیستی ناچیز است. این یک سؤال باز است که نوع درگیری‌های فعلی و آینده بر سر مرزهای ۱۹۶۷ است یا بر سر موجودیت رژیم صهیونیستی؛
- ۲- دکترین دفاعی کلاسیک رژیم صهیونیستی یک موفقیت قابل توجه بود. رژیم صهیونیستی نه

تنها زنده ماند، بلکه در مسیر دوام قرار گرفت. تهدید نظامی کلی که رژیم صهیونیستی با آن مواجه بود به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. با این حال، این وضعیت پایدار نیست و رژیم صهیونیستی به دنبال آمادگی برای بدترین شرایط است؛

۳- برتری متعارف رژیم صهیونیستی، دشمنانش را وادار به اتخاذ پاسخ‌های نامنظم و نامتقارن کرده است. آنها دیگر به دنبال پیروزی کوتاه‌مدت نیستند، بلکه به دنبال فرسایش بلندمدت برای خنثی کردن برتری رژیم صهیونیستی، تضعیف جامعه آن و در نهایت منجر به فروپاشی آن هستند و متعاقباً جبهه داخلی اکنون میدان اصلی نبرد است؛

۴- ظهور گروه‌های رادیکال و پیکارجویانه در غزه تجسم زنده ترس رژیم صهیونیستی از تشکیل کشور فلسطینی آینده در کرانه باختری نیز هست. اثربخشی ترتیبات اطلاعاتی و امنیتی بالقوه در این حوزه، موضوع بحث جدی است و چالش امروز در تهدیدات نامتقارن است؛

۵- هیچ‌یک از عملیات علیه حزب‌الله و حماس تاکنون به‌طور رضایت‌بخشی پایان نیافته است. اکثر آنها به بازدارندگی قابل توجهی و آرامش طولانی دست نیافتند و بازدارندگی به‌دست آمده بر اساس مجازات بوده است و نه انکار که رژیم صهیونیستی به‌طور فزاینده‌ای برای تکرار آن دچار چالش خواهد شد.

## مفهوم کلیدی پژوهش

بیشتر پژوهشات مربوط به غافلگیری استراتژیک و شکست اطلاعاتی در سطح ملی بر نوع خاصی از غافلگیری توجه شده است که معمولاً یک حمله غافلگیرکننده است. این نوع از غافلگیری را با توجه به اینکه محصول تلاش هدایت‌شده از سوی یک بازیگر که مصمم به جلوگیری از آگاهی دشمن از مقاصد و توانایی‌های واقعی خود با پنهان‌کاری و فریب برای به‌دست آوردن مزیت است، می‌توان غافلگیری متمرکز<sup>۱</sup> نامید (Barnea, ۲۰۲۰). نمونه‌های معروف این نوع غافلگیری عبارت‌اند از عملیات غافلگیرانه بارباروسا<sup>۲</sup> علیه اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۱، حمله پرل هاربر و عملیات نورماندی<sup>۳</sup> در سال ۱۹۴۴. از زمان جنگ جهانی دوم، تعدادی از شکست‌های اطلاعاتی وجود داشته است که به حملات غافلگیرانه منتهی شد، از جمله حمله به کره جنوبی توسط

1. concentrated surprise
2. Operation Barbarossa
3. Invasion of Normandy



کره شمالی در سال ۱۹۵۰، جنگ یوم کپور<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۳ و حمله آرژانتین به جزایر فالکلند<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۲. یکی از آشکارترین شکست‌های اطلاعاتی ایالات متحده در طول جنگ سرد در مورد ساخت دیوار برلین در اوت ۱۹۶۱ بود؛ رویدادی (غافلگیری متمرکز) که به دلایل مختلف توسط ایالات متحده بررسی نشد. حمله ۱۱ سپتامبر، ظهور داعش در عراق و سوریه و در نهایت عملیات حماس علیه رژیم صهیونیستی در ۷ اکتبر حملات غافلگیرانه متمرکز بودند. لازم به ذکر است که بیشتر غافل‌گیری‌های استراتژیک، غافل‌گیری‌های متمرکز هستند.

محققان عموماً به این نتیجه رسیده‌اند که غافلگیری اطلاعاتی اجتناب‌ناپذیر است، اما دیدگاه‌های متفاوتی در مورد منشأ شکست وجود دارد. برخی از محققان بر روی دلایل عملیاتی شکست مانند فریب تمرکز می‌کنند که منجر به از دست دادن سیگنال‌های پیشروی داده‌شده توسط مهاجمان می‌شود. این طیف با این باور که شکست‌های اطلاعاتی طبیعی و اجتناب‌ناپذیر هستند مخالف هستند و استدلال می‌کنند در جایی که اطلاعات کافی در دسترس باشد، می‌توان اقدامات دفاعی مناسبی انجام داد (Levite, 1987, 173-188). برخی دیگر استدلال می‌کنند که متخصصان اطلاعاتی و تصمیم‌گیرندگان اغلب در رسیدن به نتیجه صحیح شکست می‌خورند و خاطرنشان می‌کنند که مشکل اصلی غافلگیری و شکست اطلاعاتی در مسایل شناختی انسان نهفته است (Handel, 1984, 230). می‌توان سه رهیافت را برای توضیح علل غافلگیری اطلاعاتی شناسایی کرد: رهیافت نخست؛ سازمان‌های اطلاعاتی باید بر مأموریت اطلاعاتی راهبردی گسترده‌تر تمرکز کنند، رهیافت دوم؛ مشکلات اساسی بیشتر در محدودیت‌های سازمانی و بوروکراتیک نهفته است و رهیافت سوم؛ غافلگیری اغلب ناشی از شکست در جمع‌آوری اطلاعات است تا مشکلات تجزیه و تحلیل و یا روند سازمانی (Dahl, 2013, 9-14).

غافلگیری در اطلاعات همیشه بیشتر از موفقیت توجه را به خود جلب کرده است و مطالعات متعددی بر عدم شناسایی یا جلوگیری از یک حمله غافلگیرانه تمرکز کرده‌اند. یکی از کارکردهای اصلی یک سرویس اطلاعاتی محافظت از کسانی است که در برابر غافلگیری به آنها خدمت می‌کند. در زمینه‌ای که تأکید زیادی بر کاهش عدم قطعیت می‌شود، پذیرش اینکه شکست‌ها ممکن است اجتناب‌ناپذیر باشند تا حدودی ناامیدکننده خواهد بود. با این حال، احتمال شکست یک جنبه ذاتی اطلاعات است (Lowenthal, 1992, 19). اگرچه ما در مراحل اولیه پژوهش درباره غافلگیری

1. Yom Kippur War
2. Falkland Islands

اطلاعاتی رژیم صهیونیستی هستیم، اما به نظر می‌رسد که حمله حماس به رژیم صهیونیستی یک غافلگیری متمرکز برای جامعه اطلاعاتی آن رژیم بود. در حالی که جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ نیز یک غافلگیری متمرکز بود، اما حادثه ۷ اکتبر موردی بود که در آن جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی سیگنال‌ها را اشتباه ارزیابی کرده بود و هیچ نشانه قوی در مورد آگاهی از نیت فوری حماس وجود نداشت. در نتیجه، به نظر می‌رسد فقدان هشدار اطلاعاتی مشخص و ارزیابی‌های اشتباه شناختی در مورد زمان حمله، شکست برجسته‌ای باشد که باعث این حمله غافلگیرانه اخیر شد.

### چارچوب نظری

سوگیری‌های شناختی<sup>۱</sup>، خطاهای ذهنی ناشی از استراتژی‌های ساده پردازش اطلاعات ما هستند. مهم است که سوگیری‌های شناختی را از سایر اشکال سوگیری، مانند سوگیری فرهنگی، سوگیری سازمانی و یا سوگیری که ناشی از منافع شخصی فرد است، متمایز کنیم؛ به عبارت دیگر، یک سوگیری شناختی ناشی از هیچ‌گونه استعداد عاطفی یا فکری نسبت به قضاوت خاصی نیست، بلکه از رویه‌های ذهنی ناخودآگاه برای پردازش اطلاعات ناشی می‌شود. سوگیری شناختی یک خطای ذهنی است که سازگار و قابل پیش‌بینی است. سوگیری‌های شناختی شبیه توهمات در تشخیص اشیا هستند، زیرا خطا حتی زمانی که فرد کاملاً از ماهیت آن آگاه است، قانع‌کننده باقی می‌ماند. آگاهی از سوگیری، به خودی خود ادراک دقیق‌تری ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین، غلبه بر سوگیری‌های شناختی بسیار دشوار است.

روانشناسان آزمایش‌های زیادی را برای شناسایی قوانین ساده‌کننده‌ای که مردم برای قضاوت درباره اطلاعات ناقص یا مبهم استفاده می‌کنند، انجام داده‌اند و نشان داده‌اند - حداقل در موقعیت‌های آزمایشگاهی - که چگونه این قوانین سرانگشتی بر قضاوت‌ها و میم‌ها پیش‌داوری می‌کنند. سوگیری‌های شناختی بر ارزیابی شواهد، درک علت و معلول، تخمین احتمالات و ارزیابی گذشته‌نگر گزارش‌های اطلاعاتی تأثیر می‌گذارند. وقتی آزمایش‌های روان‌شناختی وجود یک سوگیری را آشکار می‌کند، این بدان معنا نیست که هر قضاوتی توسط هر فردی مغرضانه خواهد بود. این بدان معناست که در هر گروهی از افراد، تعصب در قضاوت‌هایی که اکثریت گروه انجام می‌دهند، کم‌وبیش وجود دارد. بر اساس این نوع شواهد تجربی، تنها می‌توان

1. cognitive biases

در مورد تمایلات گروهی از مردم تعمیم داد، نه اینکه در مورد نحوه تفکر یک فرد خاص اظهار نظر کرد (Heuer, ۱۹۹۹: ۱۱۱-۱۱۳).

سوگیری‌های شناختی اشتباهاتی در فرآیندهای شناختی هستند که توسط قواعد پردازش اطلاعات مورد استفاده مغز، ایجاد می‌شوند. آنها هر دو مرحله مرکزی تجزیه و تحلیل را تحت تأثیر قرار می‌دهند: شکل‌گیری باورهای اولیه و تنظیم باورها در طول پردازش اطلاعات. سوگیری‌های شناختی به‌عنوان عوامل مؤثر در چندین شکست اطلاعاتی مهم در قرن ۲۰ و ۲۱ شناسایی شده‌اند، از جمله این عوامل؛ حمله به عراق توسط ایالات متحده در سال ۲۰۰۳، جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ و حملات القاعده علیه ایالات متحده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱. نظریه‌های کاهش سوگیری شناختی در تحلیل اطلاعات به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست، این استدلال که تحلیل اطلاعات باید مبتنی بر شهود<sup>۱</sup> باشد و دوم اینکه باید مبتنی بر روش‌های تحلیلی ساخت‌یافته باشد. این تقسیم‌بندی در محاوره به‌عنوان بحث هنر در برابر علم شناخته می‌شود. پژوهش‌های اجتماعی که به چگونگی تولید و ارزیابی فرضیه‌ها توسط افراد می‌پردازد، از استدلال تکیه بر شهود برای کاهش سوگیری‌های شناختی در تحلیل اطلاعاتی پشتیبانی بسیار کمی می‌کند. با این حال، در حالی که توانایی نسبی روش‌های تحلیلی ساخت‌یافته برای کاهش سوگیری‌های شناختی در تجزیه و تحلیل هنوز به اعتبار تجربی اساسی نرسیده است، پژوهش‌های تجربی تا به امروز نشان می‌دهد که روش‌های تحلیلی ساخت‌یافته پیشرو هیچ تأثیر کاهنده‌ای بر سوگیری شناختی ندارند. در حال حاضر پشتیبانی تجربی محدودی برای هر دو استدلال به منظور کاهش خطر سوگیری شناختی وجود دارد. با این حال، این تنها رویکردهای موجود برای جوامع اطلاعاتی نیست. پژوهش‌های زیادی در علوم اجتماعی در مورد علل زمینه‌ای سوگیری‌های شناختی و عواملی که خطر وقوع آنها را افزایش می‌دهد، وجود دارد (Whitesmith, ۲۰۲۰: ۲).

## روش‌شناسی پژوهش

از نظر روش‌شناسی، این پژوهش از رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی که از پژوهش‌های علمی پژوهشگران و اندیشکده‌های معتبر بهره می‌برد، استفاده کرده است. برای موارد مورد نظر، از داده‌های منبع باز استفاده می‌کند تا یک تحلیل موردی از مؤلفه‌های رفتار اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در خصوص عملیات ۷ اکتبر حماس ارائه دهد و سپس نحوه عملکرد شاخص‌ها در برابر متغیرهای کلیدی را تجزیه و تحلیل می‌کند.

## یافته‌های پژوهش

### پوشش اطلاعاتی قبل از ۷ اکتبر

چرخه‌های جنگ و درگیری‌های نظامی عمده با حماس بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۱ بوده است. بسیاری از حوادث خشونت‌آمیز دیگر نیز وجود داشته است که وضعیت بین رژیم صهیونیستی و حماس را در بیشتر مواقع بسیار متشنج کرده است. در این دوره، حماس قدرت نظامی خود را تأسیس کرد، آموزش داد و ارتقا بخشید. این بازیگر غیر دولتی مسلح<sup>۱</sup> بر توسعه قابلیت‌های موشکی متمرکز شد و شبکه زیرزمینی عظیمی از تونل‌ها را ساخت که تقریباً به ۵۰۰ کیلومتر می‌رسید. اطلاعات مربوط به طول و پیچیدگی تونل‌ها در آغاز جنگ شمشیرهای آهنین<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) در اختیار ارتش رژیم صهیونیستی<sup>۳</sup> و آژانس امنیتی آن رژیم<sup>۴</sup> (ISA) قرار نداشت و تنها پس از شروع جنگ کشف شد (Bergman, ۲۰۲۳). بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳، قبل از عملیات شمشیرهای آهنین، حماس در ایجاد قابلیت‌های تهاجمی و دفاعی تسریع کرده بود. مسئولیت نظارت بر عهده اداره اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی<sup>۵</sup> (IMI) و ISA گذاشته شده بود. بر اساس گزارش دولتی درباره عملیات لبه محافظ<sup>۶</sup> (۲۰۱۴) که در سال ۲۰۱۷ منتشر شد، مشخص شد که قبل از عملیات پوشش اطلاعاتی غزه به‌طور سیستماتیک شکست خورده است و یکی از دلایل اصلی این امر عدم همکاری بین دو سازمان مربوطه بود (State Comptroller of Israel, ۲۰۱۵).

این گزارش همچنین حاکی از شکاف‌های اطلاعاتی قابل توجهی در مورد نیازهای وزرای کابینه به منظور اتخاذ تصمیمات بهینه، به‌ویژه در مورد توانایی‌های حماس و اهداف آن برای حمله از نوار غزه است. در مورد نوار غزه نیز کمبود اطلاعاتی وجود داشت که در بحث‌های قبل از عملیات لبه محافظ به دولت ارائه نشد. بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، نقص‌های جدی از سوی ISA و IMI در انجام تلاش‌های اطلاعاتی آنها در رابطه با تهدیدات ناشی از تونل‌ها وجود داشت. در واقع، تونل‌ها تا سال ۲۰۱۵ اولویت اول جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نبودند. گزارش تأکید می‌کند که منطقی

1. armed non-state actor
2. The Swords of Iron War
3. IDF
4. the Israel Security Agency
5. the Israel Military Intelligence Directorate
6. Operation Protective Edge

نیست مدیر ISA فقط در اواخر سال ۲۰۱۴ تصمیم گرفته باشد که تهدید تونل‌ها به اولویت بالایی تبدیل شده‌اند. همچنین اطلاعات عملیاتی که در طول نبرد ۲۰۱۴ در اختیار نیروهای زمینی قرار داده شده بود، به اندازه کافی مناسب نبوده است. به نظر می‌رسد که فقدان اطلاعات با کیفیت، بر توانایی رژیم صهیونیستی برای تخریب کامل این تونل‌ها و جلوگیری از حملات بیشتر به رژیم صهیونیستی از طریق آنها تأثیر گذاشته بود. علاوه بر این، هماهنگی بین IMI و ISA به درستی وجود نداشته که منجر به عدم درک معنای تونل‌هایی شده است که حماس ساخته است، یعنی استفاده از آنها برای حمله به رژیم صهیونیستی. لازم به ذکر است که رابطه بین IMI و ISA هنوز نیاز به تجدید نظر و تقویت دارد. تنها در سال ۲۰۱۵، پس از پایان عملیات لبه محافظ و افشای شکست اطلاعاتی در عدم هشدار به موقع در مورد تهدید تونل‌ها از غزه به رژیم صهیونیستی بود که منصب رئیس ستاد همکاری بین IMI و ISA تأسیس شد. با این حال، اختلاف نظرهای اطلاعاتی بین این سازمان‌ها همچنان وجود دارد.

### حمله ۱۷ اکتبر

در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، حماس حمله ویرانگری را آغاز کرد که امنیت رژیم صهیونیستی را دچار چالش جدی نمود. این حمله تقریباً در ساعت ۶:۳۰ صبح به وقت رژیم صهیونیستی آغاز شد، زمانی که حماس یک رگبار گسترده راکتی را آغاز کرد و مناطق غیر نظامی را در جنوب و مرکز رژیم صهیونیستی هدف قرار داد. هم‌زمان، نیروهای حماس عملیات نفوذ را آغاز کردند و به مناطق اطراف نوار غزه وارد شدند. این حمله منجر به درگیری‌ها با ساکنان و نظامیان ارتش رژیم صهیونیستی شد. بر اساس آخرین برآوردها، بیش از ۱۳۰۰ رژیم صهیونیستی کشته شدند و تقریباً ۵۰۰۰ نفر دیگر زخمی شده‌اند که یکی از مرگبارترین اقدامات در طول چند دهه اخیر است. علاوه بر تلفات، حداقل ۲۳۰ گروگان وجود دارد که حماس آنها را به غزه برده است. حماس مسئولیت این حمله غافلگیرانه را بر عهده گرفت و اظهار داشت که این یک عملیات قهرمانانه برای آزادسازی بیت‌المقدس و فلسطین از اشغال رژیم صهیونیستی است (McKernan, ۲۰۲۳).

بر اساس پژوهشات نیویورک تایمز، رژیم صهیونیستی برای حمله حماس در ۱۷ اکتبر آماده نبود و سازمان‌دهی ارتش رژیم صهیونیستی کاملاً ضعیف بود. نیویورک تایمز اعلام کرد که ارتش رژیم صهیونیستی برنامه‌ای برای پاسخ به حمله گسترده حماس نداشت و به گفته نیروهای

نظامی، چنین طرحی در جایی بررسی نشده بود و هیچ کس روی آن آموزش ندیده بود و آن را دنبال نمی کرد. اندازه کوچک واحدهای ارتش رژیم صهیونیستی در روز حمله نشان می دهد که فرماندهان اساساً تهدید را اشتباه درک کرده اند (Goldman, ۲۰۲۳).

در پاسخ به نفوذ حماس به رژیم صهیونیستی، دولت رژیم صهیونیستی رسماً اعلام جنگ کرد، اولین باری که این دولت از سال ۱۹۷۳ این کار را انجام داد. ارتش رژیم صهیونیستی جنگ موسوم به شمشیرهای آهنین را آغاز نمود و در داخل نوار غزه عملیات خود را به منظور شکست حماس و آزادی سایر گروگانها شروع کرد. رژیم صهیونیستی در این عملیات، حملات هوایی، بمباران دریایی، آتش توپخانه و تهاجم زمینی را انجام داده است که از شمال غزه آغاز شده و سپس به مرکز و جنوب غزه گسترش یافته است. هدف، موشک اندازهای زیرساختی نظامی حماس، تونلها و عوامل عملیاتی بوده است. این عملیات نشان دهنده تلاش رژیم صهیونیستی برای بازگشت امنیت از دست رفته و مقابله با چالش های ایجاد شده توسط حماس در جنوب رژیم صهیونیستی است. ارتش آن رژیم با مقاومت شبه نظامیان حماس مواجه شده است که پیشروی مهاجمان را کند کرده است. این جنگ همچنین منجر به یک بحران انسانی شدید در غزه شده است. سیستم های بهداشتی و غذایی از هم پاشیده اند و روزانه مواد غذایی، آب، سوخت و تجهیزات پزشکی از مصر به غزه ارسال می شود. تا زمان نگارش مقاله جنگ همچنان ادامه دارد، اما مرحله ای که رژیم صهیونیستی تعداد زیادی از نیروهای خود را در داخل غزه نگه می دارد، در حال تمام شدن است. مرحله بعدی خروج برخی از واحدها و تمرکز بر جست و جوی رهبران حماس و از بین بردن قابلیت های نظامی حماس خواهد بود. نقش ISA در طول این عملیات دو گانه بوده است: نخست، ارائه اطلاعات در مورد عوامل و تأسیسات نظامی حماس و دوم، دریافت اطلاعات در مورد مکان هایی که گروگانها اسیر شده اند. این اطلاعات برای پیشروی ارتش رژیم صهیونیستی در غزه و دادن هشدار درباره نقشه های حماس برای حمله به نیروهای رژیم صهیونیستی مهم بوده است.

### نادیده گرفتن سیگنالها

در ۶ اکتبر، شب قبل از حمله حماس، اطلاعات رژیم صهیونیستی به چند شاخص مشکوک دست یافته بود. ISA که پیشرو در جمع آوری اطلاعات بوده، این شاخصها را سیگنالهای ضعیف<sup>۱</sup> نامیده

1. weak signals

است (Yehoshua, ۲۰۲۳). یک سیگنال ضعیف به این صورت تعریف می‌شود: یک مجموعه اطلاعات تصادفی یا قطع شده که در ابتدا به نظر می‌رسد نویز پس‌زمینه است، اما می‌توان آن را با مشاهده از طریق یک فریم دیگر یا اتصال آن به قطعات دیگر به‌عنوان یک الگوی مهم از اطلاعات تشخیص داد. هر گاه شواهد متعددی به جهت‌های متضاد اشاره می‌کنند، یا زمانی که اطلاعات مهمی وجود ندارد، ذهن ما معمولاً واقعیت‌ها را به گونه‌ای شکل می‌دهد که با پیش‌داوری‌هایمان مطابقت داشته باشد. در مورد سیگنال‌های ضعیفی که قبل از حمله ۱۷ اکتبر کشف شد، در کانال‌های ارتباطی حماس به‌عنوان گفت‌وگو شناخته شده بود. در آن شب چندین بحث با ارتش رژیم صهیونیستی همراه با ISA انجام شد. شرکت کنندگان، از جمله رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی، فرمانده ارتش در بخش جنوب، رئیس ISA، رئیس بخش عملیات در ارتش رژیم صهیونیستی و سایر مقامات ارشد، به این نتیجه رسیدند که احتمال وقوع یک اتفاق جدی کم است. آنها این تصور را نداشتند که این گفت‌وگو نشان‌دهنده آمادگی عملیاتی حماس برای اقدام جدی علیه رژیم صهیونیستی باشد. به همین دلیل است که ارتش رژیم صهیونیستی سطح هشدار را در جنوب رژیم صهیونیستی افزایش نداد و این نگرانی‌ها را به تصمیم‌گیرندگان ارشد گزارش نکرد و همچنین در مرز غزه هشدار به نیروهای خود ارسال نکرد. سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی اعتراف کرد که در عصر قبل از حمله، تحرکات مشکوکی از سوی عوامل حماس در نزدیکی حصار پیرامونی که غزه را از رژیم صهیونیستی جدا می‌کند، مشاهده شد. با این حال، به گفته این سخنگو، هیچ هشدار اطلاعاتی دقیقی برای این حادثه وجود نداشت (Bochbot, ۲۰۲۳).

از اطلاعاتی که در مورد غافلگیری ۱۷ اکتبر منتشر شده است، به نظر می‌رسد که ISA و IMI اطلاعات هشداردهنده مشخصی در مورد نیت فوری حماس برای یک حمله همه‌جانبه و گسترده نداشتند. حماس موفق شده بود مقاصد خود را پنهان کند و عملیات فریبکارانه موفقیت‌آمیزی را انجام داد و رژیم صهیونیستی را به این باور رساند که مسئولیت‌های حماس در غزه، جایی که اساساً دولتی را اداره می‌کرد، نیت پنهان آن را تعدیل کرده است (Yadlin, ۲۰۲۴: ۲۰-۲۹).

برخلاف تصور، اطلاعات مهمی وجود داشت که نادیده گرفته شده بود. گزارشی که توسط یک تحلیلگر در واحد اطلاعات سیگنال ارتش رژیم صهیونیستی (به‌عنوان واحد ۸۲۰۰۱ شناخته می‌شود) تهیه شده بود، تصویر خوبی از مقیاس حمله آتی حماس به‌دست می‌داد. این طرح با نام رمز دیوار

اریحا<sup>۱</sup>، طرحی ۴۰ صفحه‌ای بود که جزئیات اصلی تهاجم به رژیم صهیونیستی را ترسیم می‌کرد، اما تاریخی را برای زمان آغاز چنین حمله‌ای مشخص نکرده بود (Donlevy, ۲۰۲۳). در این گزارش توضیح داده شده است که شاخه نظامی حماس چگونه رزمایشی را برگزار کرد که با حضور رهبران ارشد آن از جمله مقامات ارشد حماس برگزار شد. این رزمایش در مقابل رسانه‌های فلسطینی برگزار شد و بخشی از این رزمایش در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. با این حال، تحلیلگران مسئول گزارش موفق نشدند فرماندهان خود را متقاعد کنند که اینها در حال آماده‌سازی واقعی برای حمله هستند. افسران ارشد تصمیم گرفتند این گزارش را نادیده بگیرند، با این فرض که حماس توانایی اجرا در این مقیاس را ندارد. علاوه بر گزارش ۴۰ صفحه‌ای، اطلاعات مهم دیگری از پست‌های دیده‌بانی واقع در امتداد مرز غزه و رژیم صهیونیستی دریافت شد. این اطلاعات حاکی از آموزش‌های ویژه حماس بود که بارها انجام شده بود و می‌توانست نشان‌دهنده آمادگی برای حمله باشد. افسران ارشد ارتش رژیم صهیونیستی که این هشدارها را دریافت کرده بودند، تصور می‌کردند که این هشدارها مرتبط نیستند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که اگرچه IMI اطلاعات با کیفیتی در زمینه آمادگی‌ها و قابلیت‌های عملیاتی حماس داشته است، اما به این اطلاعات آن‌طور که لازم است، توجهی نشده است.

### سوگیری شناختی

IMI و ISA سال‌هاست که حماس را در غزه زیر نظر دارند. گمان می‌رود که این دو سازمان اطلاعاتی تقریباً دو هفته قبل از حمله ۱۷ اکتبر ارزیابی وضعیت را انجام داده باشند. ارزیابی آنها نشان داد که حماس با حمله به رژیم صهیونیستی در کوتاه‌مدت منصرف شده و علاقه‌ای به تغییر وضعیت موجود ندارد. این ارزیابی به بنیامین نتانیا هو<sup>۲</sup> و یوآو گالانت<sup>۳</sup> ابلاغ شد. این مشابه همان چیزی بود که تصاخی هانگی<sup>۴</sup>، رئیس شورای امنیت ملی چند هفته قبل گفته بود: من تخمین می‌زنم که حمله‌ای پیش‌بینی نمی‌شود. تقریباً در همان زمان، بیانیه مشابهی از سوی سرلشکر تامیر هیمن<sup>۵</sup>، مدیرعامل مؤسسه مطالعات امنیت ملی و فرمانده سابق IMI نیز ارائه شد (Yuval, ۲۰۲۳).

در اواسط دسامبر ۲۰۲۳، فاش شد که نتانیا هو در یک نشست غیر علنی حزب سیاسی خود که

1. Jericho Wall
2. Benjamin Netanyahu
3. Yoav Gallant
4. Tzachi Hanegbi
5. Tamir Heyman



در ژوئن ۲۰۲۳ بر گزار شد، اعتراف کرده بود که از این ارزیابی که حماس بازدارنده شده است و هیچ تهدید فوری برای رژیم صهیونیستی وجود ندارد، راضی است. نتانیا هو هرگز درخواستی مبنی بر بررسی این ارزیابی با توجه به آنچه در ۷ اکتبر رخ داد، ارائه نکرده است. ژنرال آهارون هالیوا<sup>۱</sup>، رئیس سابق IMI که این ارزیابی را رهبری کرده بود، در سپتامبر ۲۰۲۲ گفت که اگرچه حماس در فعالیت‌های نظامی شرکت داشت اما ما می‌بینیم که فرآیندهایی در قبال رژیم صهیونیستی برای تثبیت اقتصاد و ایجاد ثبات در حال انجام است و اجازه ورود به کارگران از غزه، پتانسیل ایجاد سال‌های آتی آرامش را دارد. به نقل از منبعی دیگر، حماس تا حد زیادی از شلیک موشک به رژیم صهیونیستی پس از می ۲۰۲۱ خودداری کرده بود. حماس در حاشیه باقی ماند زیرا جهاد اسلامی فلسطین (PIJ) در غزه، مشغول درگیری کوتاه و محدود با رژیم صهیونیستی بود (Rubin, ۲۰۲۳). به بیانی دیگر، طرح فریب حماس رهبری نظامی و غیرنظامی رژیم صهیونیستی را تشویق می‌کرد تا بر این باور باشد که حماس بر استقرار حکومت خود در غزه و عدم برنامه‌ریزی برای حمله متمرکز است. IMI و ISA که این ارزیابی را ارائه کرده بودند، بر این تصور تکیه کرده بودند که در ده سال گذشته حماس بیشتر تبدیل به یک بازیگر عادی شده و به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی شهروندان غزه بوده است. این ارزیابی با حمایت حماس از فلسطینی‌های مقیم غزه برای کار در داخل رژیم صهیونیستی حمایت شد. علاوه بر این، ارزیابی اطلاعاتی خاطرنشان کرد که حماس برای کمک به ساکنان فقیر غزه، از قطر وجوه مورد تأیید رژیم صهیونیستی دریافت می‌کند. به نظر می‌رسد که این ارزیابی مبنی بر اینکه حماس بازدارنده شده است توسط اطلاعات مشخص پشتیبانی نشده است. ISA که مسئول پوشش جمع‌آوری پنهان (HUMINT) در غزه بود، منابع انسانی در حلقه نزدیک رهبری نظامی حماس یا حتی در حلقه‌های پایین حماس نداشت که بتواند رژیم صهیونیستی را در مورد حمله آینده آگاه کند. این یکی از دلایل اصلی عدم هشدار اولیه قبل از حمله ۷ اکتبر بود. رژیم صهیونیستی می‌دانست که حماس با گذشت زمان قوی‌تر می‌شود، اما همچنان فکر می‌کرد که می‌تواند این بازیگر را مهار کند و با حفظ شبکه گسترده جاسوسی، مجموعه‌ای از استحکامات خود در مرز و ابزارهای نظارتی پیچیده که هشدارهای اولیه حمله را ارائه می‌دهد، مانع از حمله زمینی شود. در نگاهی به گذشته و پس از حمله ۷ اکتبر، به نظر می‌رسد که این ارزیابی که توسط ISA و IMI مشترک بود، مبتنی بر تفکر واهی بوده است.

1. Aharon Haliva

با این وجود، ISA و IMI همچنین به این مفهوم اعتقاد داشتند که موانع فیزیکی در امتداد مرز از رژیم صهیونیستی محافظت می‌کند. آنها به ویژه به حصار بین غزه و رژیم صهیونیستی که ۴۰ کیلومتر طول دارد و هم در بالای زمین و هم در زیر زمین قرار دارد و نیز به موانع فناوری پیشرفته اعتماد کردند. این دیوار که در سال ۲۰۲۱ ساخته شد، شامل سیستم‌های نظارتی و بالون‌های رصدی است که برای هشدار دادن و مسدود کردن غزه و جلوگیری از ورود هر کسی به رژیم صهیونیستی طراحی شده است (Brik, ۲۰۲۳). تصور این بود که نیروهای حماس نمی‌توانند از مرز زیرزمینی یا بالای زمین عبور کنند، زیرا با ابزارهای دیجیتال پیشرفته رژیم صهیونیستی دیده می‌شوند. مقامات ارشد ارتش رژیم صهیونیستی فکر می‌کردند که این مانع نیاز به استقرار تعداد زیادی سرباز در مرز را کاهش می‌دهد. ارتش رژیم صهیونیستی تصور می‌کرد که حتی اگر حمله‌ای رخ دهد، در مقیاس محدودی خواهد بود و ارتش رژیم صهیونیستی می‌تواند آن را خنثی کند. اکنون می‌دانیم که این تصور چقدر اشتباه بود. تکمیل حصار تنها باعث شد حماس بیش از حد توانایی‌های خود را برای غلبه بر وضعیت پیچیده اصلاح کند.

طرح فریب حماس بسیار موفق بود. در آوریل ۲۰۲۳، بخش اطلاعات فرماندهی جنوب ارتش رژیم صهیونیستی در مورد احتمال نفوذ حماس به کیبوتس‌ها<sup>۱</sup> هشدار داخلی صادر کرد. این هشدار به دنبال اطلاعات ملموس دریافت شده در مورد حمله برنامه‌ریزی شده توسط حماس را که شامل مشارکت صدها نیرو بود شامل می‌شد، اما ارتش رژیم صهیونیستی فرض کرد که حماس توانایی انجام چنین حمله گسترده‌ای را ندارد. در ماه اوت، هفته‌ها قبل از وقوع حمله، اطلاعات جدید نشان می‌داد که حمله فوری مورد انتظار است. ارتش رژیم صهیونیستی هوشیاری خود را افزایش داد. زمانی که هیچ حمله‌ای در ماه اوت رخ نداد، ارتش رژیم صهیونیستی متقاعد شده بود که حمله متوقف شده است، اما بعداً متوجه شدند که این بخشی از طرح فریب حماس بوده است (The Washington Post, ۲۰۲۳). نتیجه این شد که حماس در طول بیش از یک سال تدارکات خود را برای حمله موفق انجام داده بود. طرح فریب مؤثر حماس، رژیم صهیونیستی را گمراه کرده بود و بدون اینکه آن رژیم بداند، نوع حمله ناگهانی بود.

اکنون مشخص شده است که عباس کامل<sup>۲</sup>، مدیر اداره کل اطلاعات مصر، چند روز قبل از

1. kibbutz
2. Abbas Kamel

حمله حماس هشدارى به رژیم صهیونیستی ارسال کرده است. ظاهراً وی درباره چیزی غیر عادى و یک عملیات وحشتناک که قرار بود از سمت غزه انجام شود، هشدار داد. این هشدار به دفتر نتانياهو ارسال شد. بر اساس ارزیابى، رژیم صهیونیستی‌ها به کامل گفته‌اند که تمرکز آنها بر جلوگیرى از حملات در کرانه باخترى است (Perry, ۲۰۲۳). با این حال، نتانياهو در سخنانى که بلافاصله پس از وقوع حمله ۷ اکتبر انجام داد، ادعاهای مربوط به هشدار مصر را رد کرد و مدعى شد که این خبر جعلى است. با این حال، مایکل مک کال<sup>۱</sup>، عضو کمیته روابط خارجى مجلس نمایندگان آمریکا در ۱۱ اکتبر گفت: ما مى‌دانیم که مصر سه روز قبل به رژیم صهیونیستی‌ها هشدار داده بود که چنین رویدادى ممکن است رخ دهد. مک کال در گفت‌وگو با خبرنگاران پس از یک جلسه اطلاعاتى افزود: من نمى‌خواهم خیلی وارد جزئیات محرمانه شوم، اما هشدار داده شد. به هر صورت، به نظر مى‌رسد که این هشدار اطلاعاتى نیز نادیده گرفته شده است.

### اشراف اطلاعاتى

غزه از پایان جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ تحت کنترل رژیم صهیونیستی بوده است. ISA به همراه ارتش رژیم صهیونیستی بلافاصله پس از جنگ شش روزه وارد غزه شده بودند و از آن زمان توانستند مسئول مقابله با اقدامات فلسطینیان باشند که در غزه زندگى مى‌کردند. بر اساس توافقنامه اسلو، تشکیلات خودگردان همکارى امنیتی نزدیکی با رژیم صهیونیستی از جمله در غزه داشت. با این حال، به مرور زمان محبوبیت فزاینده حماس در غزه شروع شد و پایان کنترل تشکیلات خودگردان بر غزه را تسریع نمود. رژیم صهیونیستی در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۵ خروج یک‌جانبه خود از نوار غزه را به انجام رساند و تمامی ساکنان رژیم صهیونیستی و کارکنان امنیتی را خارج کرد و تمامی ساختمان‌های مسکونی مرتبط را تخریب نمود. نقطه عطف اطلاعات رژیم صهیونیستی در غزه تقریباً دو سال بعد، در اواسط ژوئن ۲۰۰۷، زمانى رخ داد که نیروهای حماس کنترل نوار غزه را به دست گرفتند، درحالی که مقامات فتح اخراج شدند. آشکار شد که غزه دیگر در تقابل جدی با رژیم صهیونیستی است که بر اساس ایدئولوژى حماس برای حمله و عملاً نابودى رژیم صهیونیستی گام برمی‌دارد. در نتیجه، غزه از آن زمان به‌عنوان یک بازیگر هدف برای ارتش رژیم صهیونیستی در نظر گرفته شده است.

1. Michael McCaul

پوشش اطلاعاتی نوار غزه کم نقص بوده است. مجموعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در مورد تهدیدات ناشی از نوار غزه بر اساس تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها بوده است: IMI به‌طور سنتی مسئول جمع‌آوری اطلاعات از طریق سیگنال‌ها و اطلاعات بصری (SIGINT) بوده است، در حالی که ISA فرماندهی جمع‌آوری اطلاعات از طریق HUMINT را بر عهده داشته است. پس از طرح خروج رژیم صهیونیستی از غزه در سال ۲۰۰۵، ISA با چالش‌های بیشتری در استخدام و بهره‌برداری از منابع انسانی خود در غزه مواجه شد، زیرا عوامل ISA در داخل غزه مانند گذشته فعالیت نمی‌کردند، بلکه مجبور شدند از خارج از مرز غزه عملیات کنند. این وضعیت باعث ایجاد مشکلات عمده در فعالیت HUMINT شد. از سال ۲۰۰۷، زمانی که حماس کنترل غزه را به‌دست گرفت، توانایی ISA برای اقدام داخلی در غزه آسیب جدی دیده است.

یکی دیگر از عواملی که اطلاعات رژیم صهیونیستی را پس از سال ۲۰۰۷ تضعیف کرد این است که همکاری کافی بین دو سازمان مرتبط اطلاعاتی وجود نداشته است. این موضوع احتمالاً با توجه به حمله غافلگیرانه حماس در ۷ اکتبر که کمیسیون پژوهش ملی شروع به کار کند، بررسی خواهد شد. به‌عنوان مثال، در طول عملیات لبه محافظ (۲۰۱۴)، ارتش رژیم صهیونیستی و ISA از تعداد تونل‌ها در غزه غافلگیر شدند. یکی از دلایل این امر همکاری ضعیف آنها بود. در سال ۲۰۱۶، گزارش ناظر دولتی به نقص‌های جدی در کار دو سازمان اطلاعاتی اشاره کرد و تأکید کرد که قبلاً در سال ۲۰۰۷ در مورد آنها هشدار داده بود اما هیچ اقدامی برای رفع این مشکل انجام نشده است. در دوره قبل از عملیات لبه محافظ، کمبودهایی در همکاری بین IMI و ISA شناسایی شد که بر توانایی جمع‌آوری اطلاعات از تونل‌های غزه نیز تأثیر داشت. مشخصاً بین امان<sup>۱</sup> و شین بت<sup>۲</sup> در مورد همکاری اطلاعاتی آنها اختلاف وجود داشت (State Comptroller of Israel, ۲۰۱۵). از سال ۲۰۰۷ به مدت ۹ سال به این کمبودها رسیدگی نشد. بر اساس گزارش ناظر دولتی، تنها در نوامبر ۲۰۱۶ توافق‌نامه همکاری بین IMI و ISA برای تجمیع پوشش اطلاعاتی غزه امضا شد.

### اطلاعات منبع باز (OSINT)

بر اساس مواردی که از نیروهای حماس و در دفاتر آنها در طول جنگ کشف شده است،

1. Aman
2. Shin Bet

مشخص شده که حماس اطلاعات به‌روزی را در مورد اهداف رژیم صهیونیستی قبل از حمله در ۷ اکتبر در اختیار داشته است. به نظر می‌رسد حماس به منابع اطلاعاتی مخفی رژیم صهیونیستی دسترسی نداشته است، بلکه برای یادگیری ساختار و ضعف‌های سیستم دفاعی رژیم صهیونیستی در امتداد حصار مرزی و امنیت شهرک‌ها به OSINT تکیه کرده است. علاوه بر نقشه‌های در دسترس عموم، حماس به‌دقت اطلاعات آنلاین درباره مکان‌های خاص در جوامع رژیم صهیونیستی در نزدیکی مرز غزه با رژیم صهیونیستی جمع‌آوری کرد. همچنین ممکن است برخی از اطلاعات از منابع HUMINT، عمدتاً از طریق کارگران غزه که در رژیم صهیونیستی استخدام شده بودند، به‌دست آمده باشد. علاوه بر این، حماس به برنامه‌های دائمی رسانه‌های رژیم صهیونیستی دسترسی داشت که اطلاعات بسیار ارزشمندی را در مورد مناطق مرزی و تأسیسات نظامی مجاور و همچنین در جوامعی که در شمال و شرق قرار داشتند، در اختیار آنها قرار می‌داد (Hovel, ۲۰۲۴). اگرچه دولت رژیم صهیونیستی در راستای امنیت ملی خود محدودیت را اعمال می‌کند، اما دسترسی عموم مردم به برخی اطلاعات نیز غیر ممکن نبود؛ بنابراین، حجم قابل توجهی از اطلاعات به‌صورت آنلاین در دسترس بوده است.

در ارزیابی رفتار حماس در سال‌های اخیر می‌توان مشاهده کرد که به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی عمل نکرده است و بلکه در ده سال گذشته به مثابه یک سازمان دولتی عمل کرده و دشمن خود را زیر نظر داشته و صبورانه منتظر فرصتی مناسب برای حمله بوده است. به‌طور هم‌زمان، حماس از ابزارهای اطلاعات نادرست برای پنهان کردن نقشه‌های حمله خود استفاده کرد. این سازمان، نیروهای خود را در واحدهای کماندویی آموزش داد که اطلاعات را به‌طور مؤثر به کار می‌بردند و به‌جای شانس، به اطلاعات عملی متکی بودند. این را می‌توان از بازجویی‌های اعضای حماس که پس از ۷ اکتبر توسط مقامات رژیم صهیونیستی بازداشت شدند، مشاهده کرد. به‌طور مثال، حماس از نقشه‌های دقیق مناطق رژیم صهیونیستی در نزدیکی مرز غزه که در Google Earth موجود است، برای برنامه‌ریزی حملات خود در ۷ اکتبر استفاده کرد. پرینت این نقشه‌ها در میان وسایل نیروهای حماس که در جریان این حملات کشته شدند، پیدا شده است. استفاده مؤثر از OSINT در قلب برنامه عملیاتی حماس برای حمله هم‌زمان به بسیاری از اهداف رژیم صهیونیستی و ایجاد خسارت‌های گسترده قرار داشته است.

برخلاف اطلاعات حماس، سیستم‌های OSINT رژیم صهیونیستی در آستانه حملات ۷ اکتبر عملکرد ضعیفی داشتند. به احتمال زیاد - به‌دلایلی که هنوز در حال بررسی است - این نتیجه

بسته شدن واحد مرکزی OSINT اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی بود. حماس رزمایش‌های نظامی خود را در شبکه‌های اجتماعی تبلیغ می‌کرد، اما اطلاعات رژیم صهیونیستی به نوعی به آنها توجه نکرد (Foreign Policy, ۲۰۲۳). با این حال، هیچ منبع بازجایگزین مطلوبی برای جذب جاسوسان انسانی به درون حلقه داخلی رهبران ارشد برای کشف مقاصد این سازمان نیز وجود نداشت. هنگامی که حماس آشکارا قصد خود را برای حمله به مناطق نزدیک مرز غزه اعلام کرد و واحدهای خود را برای این منظور آموزش داد، جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، از جمله IMI و ISA، توانایی‌های حمله واقعی خود را بر اساس مواد OSINT دست کم گرفتند. این اشتباه محاسباتی ناشی از ارزیابی نادرست توانایی‌های حماس و دست بالا فرض کردن توانایی ارتش رژیم صهیونیستی برای واکنش سریع و جلوگیری از حمله به اهداف غیرنظامی و نظامی بوده است و در تحلیل اطلاعاتی این نوع از ارزیابی‌ها یک اشتباه مهم و راهبردی بود.

لازم به ذکر است که رهبران شاخه نظامی حماس از توانایی‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی آگاه بودند. به همین دلیل بود که آنها از استفاده از کانال‌های ارتباطی دیجیتال برای سازمان‌دهی حمله خود اجتناب کردند و ره‌گیری اطلاعات ارزشمند را بسیار دشوار کردند. اکنون آشکار است که ISA توانست به حلقه داخلی رهبران ارشد حماس نفوذ کند و در نتیجه در صدور هشدار اولیه برای حمله ۱۷ اکتبر ناکام ماند. بعلاوه، حماس از یک سیستم تقسیم‌بندی بسیار سخت‌گیرانه استفاده کرد که به تنها چند نفر اجازه می‌داد تا آگاهی از اهداف، زمان دقیق و نقشه حمله خود داشته باشند. بازجویی از اسرای حماس در دست رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که آموزش و آمادگی برای حمله ماه‌ها به طول انجامیده است. اولین گام‌های این طرح حدود دو سال قبل از ۱۷ اکتبر آغاز شد، اما اطلاعات در مورد نیت حماس نزد رهبران بازوی نظامی حماس بود.

با نگاهی به یافته‌هایی که در رژیم صهیونیستی و خارج از آن منتشر شده است، آشکار شده است که پوشش اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از حماس، از سال ۲۰۰۷ تا حمله غافلگیرانه ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، خوب نبوده است. حماس از تلاش‌های شدید رژیم صهیونیستی برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد توانایی‌ها و نیت خود آگاه بود و یک سیستم ارتباطی ایجاد کرده بود که دستیابی به اطلاعات ارزشمند SIGINT را برای اطلاعات رژیم صهیونیستی بسیار دشوار می‌کرد. حماس قوانین سخت‌گیرانه‌ای را اجرا کرده بود که تنها اجازه استفاده از خطوط ارتباطی پنهان شده در زیرزمین را برای انتقال اطلاعات حساس میان رهبران می‌داد. این امر اطلاعات رژیم صهیونیستی را نسبت به

اهداف فوری حماس برای حمله کور کرده بود. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که ISA که بر عملیات HUMINT در غزه متمرکز شده بود، در میان نیروهای نظامی حماس منبع مناسبی نداشت که بتواند هشدار دهد و همچنین برنامه‌های فوری حمله حماس را هشدار فوری دهد. تنها پس از شروع جنگ، ارتش رژیم صهیونیستی متوجه شد که نقشه تونل‌های حماس در غزه را در اختیار ندارد و همین امر نابودی قدرت نظامی حماس را که در آنجا پنهان شده بود، بسیار دشوار می‌کرد.

اطلاعات رژیم صهیونیستی تقریباً به‌طور کامل بر SIGINT متکی بود و تصور نمی‌کرد که حماس (و نه تنها حماس) قادر به برنامه‌ریزی برای دو سال تجهیز، سازمان‌دهی و راه‌اندازی یک عملیات نظامی گسترده بدون استفاده از سیگنال‌های الکترونیکی باشد. این احتمال وجود دارد که جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی که تا حد بسیار زیادی بر اساس ارتباطات الکترونیکی طراحی شده است، معتقد بود که حماس این‌گونه عمل خواهد کرد، اما از اینکه حماس ابزارهای جایگزینی را توسعه داده است که برای پنهان کردن نقشه‌هایش خدمت می‌کند، شگفت‌زده شد. استفاده از قابلیت‌های OSINT برای سال‌ها اولویت پایین IMI بوده است. در یک مرحله، IMI تصمیم گرفت واحد خاصی را که مسئول OSINT بود، تعطیل کند. با نگاهی به آماده‌سازی حماس، به راحتی می‌توان دریافت که اطلاعات مرتبط زیادی در مورد آموزش آن در ماه‌های قبل از حمله وجود داشت که در OSINT ظاهر شده بود، اما IMI آن را از دست داد.

یکی از دیگر عوامل ناکامی اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، فرهنگ سازمانی ISA و IMI است. به دنبال درس‌های آموخته‌شده از وقوع انتفاضه اول (۱۹۸۷) که یک غافلگیری استراتژیک برای دولت رژیم صهیونیستی بود، یک بخش پژوهشاتی در ISA تأسیس شد. انتظار می‌رفت این واحد نسبت به تهدیدات راهبردی هشدار دهد، اما در سازمانی که ماهیت آن عملیاتی است، به تدریج بخش پژوهش‌ها رو به وخامت گذاشت و در عملیات ۷ اکتبر، کار آن نادیده گرفته شد. از سوی دیگر IMI در سال‌های اخیر بر تولید بانک اطلاعاتی از اهداف متمرکز بوده و از مطالعه تهدیدات استراتژیک غفلت کرده است. همچنین مشاهده می‌شود که هیچ‌کس در جامعه اطلاعاتی احتمال حمله گسترده به شهرک‌های مرزی نوار غزه را جدی نگرفت، هرچند گزارش‌هایی از آن وجود داشت. این ما را به یاد درس‌هایی می‌اندازد که از حمله ۱۱ سپتامبر گرفته شده است: فقدان ایده پردازی و تصویرسازی. منظور این است که در موارد هشدارهایی که ملموس نیستند، از تحلیلگران اطلاعاتی انتظار می‌رود که از تصورات خود نیز برای شناسایی تهدیدها استفاده کنند.

## نتیجه گیری

حمله ناگهانی حماس به رژیم صهیونیستی در ۷ اکتبر یک غافلگیری استراتژیک بود؛ حماس توانسته بود تا آخرین لحظه عملیات خود را مخفی نگه دارد، هم با جلوگیری از درز اطلاعات و هم با پنهان کردن آمادگی‌های قابل مشاهده روی زمین به‌عنوان تمرین. حمله ۷ اکتبر را می‌توان به‌عنوان یک غافلگیری متمرکز تعریف کرد. این محصول تلاش هدایت‌شده‌ای از سوی یکی از بازیگران یعنی حماس بود که مصمم بود با پنهان‌کاری و فریب برای به‌دست آوردن مزیت، حریف خود را نسبت به آگاهی از مقاصد و توانایی‌های واقعی خود غافلگیر کند. نتیجه نهایی این روند، یک غافلگیری ناگهانی برای رژیم صهیونیستی و جامعه اطلاعاتی بود. موفقیت حماس با فریب راهبردی پشتیبانی شد؛ تشویق رهبری نظامی و غیرنظامی رژیم صهیونیستی به این باور که حماس در دوره‌های قبلی تشدید تنش (مانند عملیات ۲۰۱۴) به هیچ موفقیت واقعی دست نیافته بود یا در بعد غیر نظامی خود (مانند راهپیمایی‌های بازگشت) نتیجه مطلوبی نگرفته است. عدم شرکت حماس در دو دور آخر تشدید تنش علیه جهاد اسلامی در ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ ظاهراً اثباتی بر فرض گرایش حماس به سازش بود. رژیم صهیونیستی وسوسه شد که این داستان را به‌خود القا نموده و می‌خواست آن را باور کند.

حمله ۷ اکتبر همچنین می‌تواند به‌عنوان یک غافلگیری تاکتیکی نیز تلقی شود؛ سیستم‌های رصدی که ارتش رژیم صهیونیستی در مرز غزه قرار داده بود و می‌توانست رژیم صهیونیستی را نسبت به تحركات مشکوک در خاک غزه آگاه کند، در نتیجه حملات حماس به آنها در ۷ اکتبر موفق به انجام این کار نشدند. حماس از پهپادهای تجاری استفاده کرد که مواد منفجره پرتاب می‌کردند و سیستم‌های رصد، شناسایی، شلیک خودکار و سیستم‌های ارتباطی را از کار انداختند. در این مرحله، تصور اینکه دشمنی مانند حماس بتواند حمله‌ای به این بزرگی را انجام دهد دشوار است. وقتی دشمنی مانند حماس را بازیگر غیر دولتی کم اثر بدانیم، استنباط این است که این تشکیلات یک بازیگر سطح پایین است، به‌صورت پراکنده عمل می‌کند و قادر نیست به‌صورت سازمان‌یافته عمل کند. از این رو، تهدید این بازیگر سطح پایین است و به‌راحتی می‌توان با آن مقابله کرد. اگر تصور رژیم صهیونیستی از خود را به این معادله اضافه کنیم که کشوری با قدرت فناوری پیشرفته، با بهترین اطلاعات موجود و ارتشی عالی است، نتیجه گرفته می‌شود که با توجه به برآورد بیش از حد رژیم صهیونیستی از خود، تحلیلگران



اطلاعاتی معتقد باشند که هیچ احتمالی وجود ندارد که یک سازمان در حد حماس در غافلگیر کردن رژیم صهیونیستی موفق شود.

هنوز زود است که بدانیم چرا اطلاعات رژیم صهیونیستی به‌طور چشمگیری در صدور هشدار قبل از حمله حماس در ۱۷ اکتبر شکست خورد. دو تا سه سال طول می‌کشد تا بر اساس کار کمیسیون پژوهش که هنوز تعیین نشده است، یافته‌های تأییدشده دریافت کنیم. با این وجود، ما می‌توانیم پاسخ‌های اولیه را پیدا کنیم و انتظار می‌رود که پژوهشات در مورد منحصر به فرد بودن این رویداد ادامه یابد و پاسخ‌های عمیق‌تری به ما بدهد. با این حال، اگر کسی شاخه نظامی حماس را به‌عنوان یک سازمان چریکی پیچیده که مرتباً برای حمله به رژیم صهیونیستی آموزش می‌دید و دارای قابلیت‌های دقیق فریب استراتژیک بود، تلقی می‌کرد، استنتاج نهایی ممکن بود کاملاً متفاوت باشد. به همین دلیل رژیم صهیونیستی آماده نبود و سیگنال‌های ضعیف را تا لحظه آخر نادیده گرفت. دولت رژیم صهیونیستی انتظار داشت که سپر امنیتی، یعنی جامعه اطلاعاتی آن، هشداری به موقع ارائه کند. حتی اگر چنین هشداری هم داده نمی‌شد، باز هم تهدید حماس در قیاس با قدرت و توانایی رژیم صهیونیستی بی‌اهمیت جلوه داده می‌شد که نشان‌دهنده اغراق آمیز بودن توانایی‌های نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بود. در شرایطی که سوگیری‌های شناختی بر محاسبات و ارزیابی‌های منطقی غالب است، مزیت اطلاعاتی اغلب به بازیگر مهاجم منتقل می‌شود و پیش‌بینی و جلوگیری از غافلگیری را چالش برانگیز می‌کند، همان‌طور که در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ اتفاق افتاد. مشکل رژیم صهیونیستی‌ها و بسیاری از سازمان‌های اطلاعاتی مدرن این است که به‌جای اینکه اهداف بازیگر متخاصم خود را به لحاظ ذهنی بدانند و درک عمیق‌تری از نحوه تفکر و عملکردشان داشته باشند، بیش از حد به اطلاعات عملیاتی و تاکتیکی وابسته شده‌اند.

1. A Commission Report. (2004). **Report on the U.S. Intelligence Community's Prewar Intelligence Assessments on Iraq**. Washington D.C: Senate Select Committee on Intelligence.
2. Bar-Joseph, U, & McDermott, R. (2017). **Intelligence Success and Failure: The Human Factor**. New York: Oxford University Press.
3. Barnea, A. (2020). **Strategic Intelligence: A Concentrated and Diffused Intelligence Model**. *Intelligence and National Security*, 35(5), 701–716.
4. Bergman, R. (2023). **The Lights Were Not On**. Retrieved from Ynet: [www.ynet.co.il/news/article/yokra13729290?utm\\_source=ynet.app.ios&utm\\_term=yokra13729290&utm\\_campaign=general\\_share&utm\\_medium=social&utm\\_content=Header](http://www.ynet.co.il/news/article/yokra13729290?utm_source=ynet.app.ios&utm_term=yokra13729290&utm_campaign=general_share&utm_medium=social&utm_content=Header).
5. Betts, R. (2007). **Enemies of Intelligence, Knowledge & Power in American National Security**. New York: Columbia University Press.
6. Bochbot, A. (2023). **There Were indications before the Black Saturday**. Retrieved from Walla: [https://news.walla.co.il/item/3625456?utm\\_source=Generalshare&utm\\_medium=sharebuttonapp&utm\\_term=social&utm\\_content=general&utm\\_campaign=socialbutton](https://news.walla.co.il/item/3625456?utm_source=Generalshare&utm_medium=sharebuttonapp&utm_term=social&utm_content=general&utm_campaign=socialbutton).
7. Brik, Y. (2023). **We Do Not Have Solutions to the Tunnels**. Retrieved from Haaretz.
8. Dahl, E. (2013). **Intelligence and Surprise Attack: Failure and Success from Pearl Harbor to 9/11 and Beyond**. Washington DC: Georgetown University Press.
9. Donlevy, K. (2023). **Israel had Hamas attack plan year before Oct. 7 invasion, but officials dismissed as 'imaginative': report**. Retrieved from New York Post: <https://nypost.com/2023/11/30/news/israel-had-hamas-attack-plans-for-year-before-bloodbath-report/>.
10. Foreign Policy. (2023). **How Israel's Spies Failed—And Why Escalation Could Be Catastrophic**. Retrieved from <https://foreignpolicy.com/2023/10/19/israel-intelligence-gaza-nuclear-weapons-hezbollah-iran-escalation-could-be-catastrophic/>.

11. Gentry, J, & Gordon, J. (2019). **Strategic Warning Intelligence: History, Challenges and Prospects**. Washington DC: Georgetown University Press.
12. Goldman, A. (2023). **Israel Knew Hamas's Attack Plan More Than a Year Ago**. Retrieved from New York Times: <https://www.nytimes.com/2023/11/30/world/middleeast/israel-amas-attack-intelligence.html>.
13. Handel, M. (1984). **Intelligence and the Problem of the Strategic Surprise**. Journal of Strategic Studies, 7(3).
14. Heuer, R. (1999). **Psychology of Intelligence Analysis**. Virginia: Center for the Study of Intelligence.
15. Hovel, R. (2024). **Too Much Information Was Open: That's How Hamas Knew Where to Attack**. Retrieved from Hamakom.
16. Levite, A. (1987). **Intelligence and Strategic Surprise**. New York: Columbia University Press.
17. Lowenthal, M. (1992). **U.S. Intelligence: Evolution and Anatomy**. Westport: CT: Praeger.
18. McKernan, B. (2023). **Israel and Hamas at War after Surprise Attacks from Gaza Strip**. Retrieved from The Guardian: <https://www.theguardian.com/world/2023/oct/07/hamas-launches-surprise-attack-on-israel-as-palestinian-gunmen-reported-in-south>.
19. Perry, S. (2023). **Egyptian General Intelligence Director Supposedly Warned Netanyahu about 'Something Fierce from Gaza**. Retrieved from Yedioth Ahronot.
20. Rubin, U. (2023). **Did the IDF Rely Too Much on Innovation and Technology? Retrieved from Jerusalem Center for Public Affairs**.
21. State Comptroller of Israel. (2015). **Report about Operation Defensive Edge**. Tel Aviv. Retrieved from <https://www.gov.il/en/Departments/General/operation-protective-edge-full-report>.
22. The Washington Post. (2023). **As It Planned for Oct. 7, Hamas Lulled Israel into a False Sense of Calm**. Retrieved from <https://www.washingtonpost.com/world/2023/12/06/israel-knew-hamas-attack-oct-7/>.
23. Whitesmith, M. (2020). **Experimental Research in Reducing the Risk of Cognitive Bias in Intelligence Analysis**. International Journal of Intelligence and CounterIntelligence, 33(2).

24. Yadlin, A. (2024). **Why Israel Slept: The War in Gaza and the Search for Security.** Foreign Affairs.

25. Yehoshua, Y. (2023). **Assessments That Have Been Collapsed.** Retrieved from Ynet: [www.ynet.co.il/news/article/yokra13694671?utm\\_source=ynet.app.ios&utm\\_term=yokra13694671&utm\\_campaign=general\\_share&utm\\_medium=social&utm\\_content=Header](http://www.ynet.co.il/news/article/yokra13694671?utm_source=ynet.app.ios&utm_term=yokra13694671&utm_campaign=general_share&utm_medium=social&utm_content=Header).

26. Yuval, S. (2023). **Major General Tamir Hayman: Subject to a Movement towards the Palestinians, a Saudi Nuclear Capability Is a Worthwhile Risk.** Retrieved from Calcalist: [https://www.calcalist.co.il/local\\_news/article/skd7aiwep](https://www.calcalist.co.il/local_news/article/skd7aiwep).